

روزهای مدینه

شامل

مناظرات در مسجد اکبریه و مدینه منوره

علی عطائی اصفهانی

انتشارات آیین دانش

و غیره

بیت الخ

حالی

www.ketab.ir

© کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است *

فهرست اجمالی کتاب

- بخش اول : ۱۹
پیدایش شیعه
- بخش دوم : ۵۴
عقاید شیعه دوازده امامی
- بخش سوم : ۱۴۷
چرا چراها؟ در ضمن پرسش و پاسخ
- بخش چهارم : ۴۳۳
پرسش و پاسخ و متفرقات مربوط به مکه
- بخش پنجم : ۴۶۶
پرسش و پاسخ و متفرقات مربوط به مدینه
- بخش ششم : ۵۱۷
توسل و معنای آن
- بخش هفتم : ۵۳۴
مناظرات در مدینه و مکه
- بخش هشتم : ۶۸۶
پاسخ به جزوه وحدت و شفقت صحابه
- بخش نهم : ۷۸۴
بهترین انسان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- یک فرع فقهی : ۱۰۰۰
تقدم پدر و اعظم بودن حق او بر مادر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پیشگفتار^۱

... قال الله تبارك و تعالی:

﴿إِنَّمَا يُدْعِي اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۲

جز این نیست که خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت برطرف نماید و شما را جلال و شرف داده است پاک و پاکیزه نگه دارد.

قال رسول الله ﷺ:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي
فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي وَعَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ
يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ^۳

پیامبر ﷺ فرمود: ای مردم، من دو چیز گران قیمت در میان شما می گذارم یکی کتاب خدا و دیگر عترت و اهل بیت، پس به آن دو چنگ زنید تا هرگز گمراه

۱. نظر به اینکه: کتابهایی را که در مدینه منوره شروع و نوشتیم، اکثراً مورد استفاده قرار گرفت. و از سویی، برخی مطالب آنها تکرار شده بود، بر آن شدم پس از حذف مکررات، تمام آنها را در یک جلد جمع آوری نمایم، و چون عمده مطالب آن و خصوصاً مناظرات، در مدینه منوره جمع آوری و صورت گرفت، لذا نام مجموع آن را «روزهای مدینه» گذاشتم. والتوفيق من الله العزيز الحكيم.

۲. الاحزاب / ۳۳.

۳. جامع احادیث الشيعة، مرحوم آية الله العظمى خاج آقا حسين بنو جردی رحمه الله، ج ۱، المقدمة، چاپ اول، ص ۳۲.

نشوید، خداوند لطیف خبیر به من خبر داد و با من عهد کرد که این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

و قال رسول الله ﷺ:

إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.^۱
همچنین فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است، هر کس آن را سوار شد نجات یافت و هر کس از آن تخلف نمود (سوار نشد) هلاک گردید.

شیعیان در سفر به حج و عمره، برخی اعمال سؤال برانگیز را از برادران اهل سنت مشاهده می‌کنند و مایل هستند منشأ و وجه اختلاف آنها را با عقاید شیعیان و مذهب تشیع بدانند و نوعاً از روحانیون محترم سؤال می‌کنند.

در موسم عمره مفروض سال ۱۳۸۸ هجری مدتی که در مدینه منوره مسؤول پاسخگویی به مسائل شرعی بودم، بعضی از روحانیون از اینجانب خواستند مسائل محلّ خلاف را که چشم‌گیر و مورد توجه عموم است، بررسی و با توضیح کوتاهی در اختیار زوار محترم قرار دهم. که در حد امکان در جرایست آنها را اجابت نمودم. یادآور می‌شوم که اصل این کتاب را در همان مدت که آجانب بودم، در فرصت‌های مناسب نوشتم و از صحاح و مسانید اهل تسنن، تنها صحیح بخاری،^۲ و مسلم^۳ (که آنها این دو کتاب را صحیح‌ترین و معتبرترین کتاب‌های خود می‌دانند) نزد این

۱. جامع احادیث الشیعه، ص ۲۸.

۲. چاپ: مکتبه دار السلام: الریاض: ذوالحجّه ۱۴۱۹، الطبعة الثانية.

توجه: روایاتی را که از صحیح بخاری با تعیین صفحه و شماره روایت، نقل کرده‌ام، تماماً از این نسخه است.

۳. چاپ: دار احیاء التراث العربی: بیروت، لبنان: ۱۴۲۰ هـ، الطبعة الاولى.

توجه: روایاتی را که از صحیح مسلم با تعیین صفحه و شماره روایت، نقل کرده‌ام، تماماً از این نسخه است.

جانب بود و گاهی هم از کتابخانه مسجد النبی و نوشته‌های بن باز (مفتی پیشین اهل تسنن حجاز) استفاده می‌کردم.^۱

چرا تبعیت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام لازم است؟

در بیان

آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی رحمته الله

مرحوم آیه الله العظمی بروجردی رضوان الله تعالی علیه در کتاب با عظمت «جامع احادیث الشیعة» فرموده‌اند:

سرآوار نیست احدی از مسلمانان، شبهه یا شک کند در وجوب پیروی و لزوم تبعیت از عترت طاهره در امور دینی و تکالیف الهی، از فروع عملیه و اصول اعتقادی، تفاسیر فقاوا و روایات آنها برگفته‌ها و روایات دیگران، هر چند معتقد به ولایت خلافت و جانشینی آنها از رسول خدا صلی الله علیه و آله در امور سیاسی و امور دنیوی نباشد. زیرا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله این امر را در حدیث تقلین بیان کرد و روشن ساخت و آن را محکم و استوار نمود و بر آن تأکید فرمود، حدیث تقلین که شیعه و سنی بر آن اجماع و تفاهت دارند و بزرگان علمای اسلام به آن تصریح نموده‌اند [تا آنکه فرموده است] چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله معارف الهیه و واجبات دینی و سنن نبویه و تمام آنچه را مردم به آن نیاز دارند به عترت سپرد و نزد آنها ودیعه و امانت گذاشت و به همین جهت عترت را عدل (هم سنگ) قرآن مجید قرار داد و در موارد متعدد و

۱. مطالبی نیز از «صلاة المؤمن» نقل کرده‌ام، این کتاب، تألیف سعید بن علی بن وهف القحطانی است. وی از شاگردان بن باز بوده و در این کتاب اکثراً حرف‌های او را بازگو نموده است و ظاهراً مورد قبول اهل تسنن حجاز است.

توجه: آنچه از این کتاب نقل کرده‌ام از چاپ دوم سال ۱۴۲۴ هجری، مؤسسه الجریسی است.

جاهای بسیار سفارش به پیروی آثار آنها فرمود، توصیه به تمسک و اعتصام و اهتدا به هدایت آنها نمود، توصیه به اخذ از علوم و دانش آنها نمود، مردم را از ردّ بر آنها و از تخلف نمودن از آنها نهی فرمود، همان گونه که این مطلب از احادیث متعدده متواتره ظاهر می شود.

یکی از آن احادیث، حدیث معروف به حدیث ثقلین است که شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند. چرا که سی و چهار نفر از اصحاب رسول خدا ﷺ این حدیث را از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده اند و علاوه بر علما و محدثین امامیه بیش از یکصد و هشتاد نفر از بزرگان و مشاهیر علما و محدثین آنها در کتب های صحیح و معتبر خود با سندهای صحیح - نزد خودشان - آن را روایت کرده اند.^۱

مرحوم آیه الله بروجردی^۲، پس از این مقدمه - که آن را تلخیص و ترجمه نمودم - حدیث شریف ثقلین را از کتاب های معروف و مورد قبول اهل تسنن نقل کرده است، پس از آن به طور مفصل، معنی و تطالبی که از آن استفاده می شود بررسی و توضیح داده^۳ و در پایان فرموده است.

حاصل آنچه ذکر کردیم این شد که پیامبر اکرم ﷺ بر همه امت واجب فرمود، در امور شرعی و تکالیف الهیه به عترت طیبه متمسک شوند و وجوب تمسک به اهل بیت ﷺ را مؤکد و مشدد و محکم فرمود و با کلمات عدیده و الفاظ گوناگون این امر را محکم و استوار نمود، به گونه ای که انکار آن ممکن نیست و تأویل آن جایز نمی باشد.^۳

۱. جامع احادیث الشیعة: ج ۱، المقدمة، چاپ اول، ص ۲۹.

۲. طالبین بیانات پر محتوای آن عالم عظیم الشأن - اعلی الله مقامه - به کتاب پر ارزش جامع احادیث الشیعة مراجعه کنند.

۳. همان، ص ۵۲.

مؤلف: حدیث مبارک ثقلین را خاصه و عامه از رسول خدا ﷺ روایت نموده‌اند و این حدیث شریف، امامت و خلافت و مرجعیت ائمه معصومین علیهم السلام را ثابت و قطعی فرموده و برای شخص عاقل و با انصاف جای هیچ گونه شک و تردیدی باقی نگذاشته است.

گذشته از حدیث ثقلین، احادیث فراوان دیگری وجود دارد که آنها را نیز شیعه و سنی به طور متواتر نقل کرده‌اند و همه آنها حاکی از این است که پیامبر خاتم ﷺ هدایت و سعادت و نجات مسلمانان را منوط به پیروی از اهل بیت و اطاعت از آنان دانسته‌اند، مانند حدیث سفینه، که اباذر نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي بِكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ.^۱ [و در روایت دیگر به جای «هَلَك» «غرق» آمده است].

مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است، هر کس آن را سوار شد نجات یافت و هر کس از آن تخلف نمود (سوار نمود) هلاک گردید.

حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمه الله فرموده است:

متجاوز از صد نفر از بزرگان علمای عامه در جوامع و اجتماعاتشان این حدیث را روایت کرده‌اند.^۲

کمال نهایی در پرتو وحدت است

مؤلف: لازم به یادآوری است که از اهم امور و اوجب واجبات، بر همه مسلمانان اتحاد و حفظ وحدت و همدلی و در کنار یکدیگر بودن و پرهیز از تفرقه و جدایی است. خداوند متعال فرموده است:

۱. جامع احادیث الشیعة، ج ۱، المقدمة، چاپ اول، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۲۸.



﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۱

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)] چنگ زنید و پراکنده و گروه گروه نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دلهای شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید و بر لب گودالی از آتش بودید، شما را از آن نجات داد، خدا این گونه، نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

به مقتضای این آیه شریفه، هر مسلمانی گذشته از آن که موظف است به قرآن و عترت - که بهترین حبل و دستار از انسان‌هاست - تمسک جوید، باید همراه مسلمانان و در کنار آنان باشد و همسنگ و با هم به ریسمان الهی اعتصام جویند و هرگز از اتحاد و اتفاق و همدلی که نعمت بزرگ الهی و منشأ رسیدن به کمال نهایی است غفلت نکنند و از خطر اختلاف و دشمنی با همدیگر که همانند حرکت در لبه پرتگاه و گودال آتش است، غافل نشوند و توجه داشته باشند که نزاع و کشمکش موجب سست شدن و از بین رفتن قدرت و شوکت است و خداوند سبحان مسلمانان را از آن برحذر داشته است.

﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾^۲

و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست می‌شوید و قدرت و شوکتان از میان می‌رود.

۱. سوره آل عمران / ۱۰۳.

۲. سوره انفال / ۴۶.

= همچنین بر همه مسلمانان است که در پرتو وحی الهی، زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و از اختلاف و تفرقه و تشتت که پیروی از گام‌های شیطان است پرهیز نمایند، زیرا او دشمن آشکار انسان‌ها است و بارزترین مظهر عداوت او، ایجاد اختلاف و تفرقه و آشوب است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾^۱

ای اهل ایمان همگی در عرصه تسلیم و اطاعت [از خدا] درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او نسبت به شما دشمنی آشکار است.

امام اول ما «بیعیان» حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به همه مسلمانان فرموده است:

إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينٍ اللَّهُ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءِ الضَّمَائِرِ.^۲

شما مسلمانان برادران دینی هم هستید و آنچه که شما را به تفرقه و اختلاف می‌کشد و بین شما جدایی می‌اندازد، همانا پلیدی باطنیها و سوء نیتها می‌باشد. از سویی اهل بیت علیهم السلام علاقه شدید خود را به عظمت اسلام و سربلندی مسلمانان نشان داده و در گفتار و رفتار، مسلمانان را به وحدت و اتحاد و برادری و همزیستی سفارش کردند، از هرگونه دشمنی و کینه توزی و اذیت و آزار نسبت به یکدیگر نهی و ممانعت فرمودند.

رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفایی که قبل از او بر مسند خلافت تکیه زدند فراموش‌شدنی نیست. و با اینکه خلافت حق مسلم آن بزرگوار بود و حضرت

۱. سوره بقره / ۲۰۸.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ذیل خطبه ۱۱۲.

آنان را غاصب می‌شناخت^۱، در عین حال با آنها مماشات نمود و به منظور حفظ وحدت اسلامی و اقتدار مسلمانان بطور شایسته و با کمال بردباری و صبر و حلم و سعه صدر با آن افراد مدارا و مسامحه کرد.

آن بزرگوار، آنچه را در مورد مصالح عالیّه اسلام و منافع مسلمانان بود، بدون سهل انگاری به خلفا تذکر داد. همان گونه که در یکی از سخنانش به عصر پیش از حکومتش اشاره کرده و فرموده است:

فَخَشِيتُ أَنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثُلْمًا أَوْ هَدْمًا.^۲

ترجمه: که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم رخنه‌ای در آن ببینم یا شاهد نابودی آن باشم.

بنابراین، عقیده شیعه به پیروی از آیه شریفه ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

۱. امیرالمؤمنین (علیه السلام) (در ضمن خطبه شقشقیه) فرموده است: «قُلْنَا مَجْنُونًا! بَيْنَا هُوَ يَسْتَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِأَخَرٍ بَعْدَ وَفَاتِهِ»؛ شگفتا! ابوبکر که در حیات خود در مردم مسخر خواست او را رها کنند و عذرش را از خلافت بپذیرند، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عاقل عمر درآورد؟ در منهاج البراعة، شرح نهج البلاغه (ج ۳، ص ۵۷) در شرح این جمله فرموده است: روایت اقاله را جمهور (علمای اهل سنت) نقل کرده‌اند، که ابوبکر گفت: «أَقِيلُونِي أَقِيلُونِي فَلَسْتُ بِخَيْرِكُمْ وَ عَلَىٰ فِيكُمْ»؛ (رها کنید مرا، رها کنید مرا، من بهترین شما نیستم و حال اینکه علی (علیه السلام) میان شما است).

این روایت را مجلسی در بحار از طبری در تاریخش و بلاذری در انساب الأشراف و سماعی در فضائل و ابو عبیده در برخی کتابهایش نقل کرده‌اند، و فخر رازی در صحت این روایت خدشه نکرده است، هر چند پاسخهای ضعیفی از آن داده است، و در صحت این روایت همین بس که فخر رازی در آن شبهه نکرده است.

همچنین: روایت «أَقِيلُونِي...» را خواجه نصیرالدین طوسی در تجرید العقائد، مبحث امامت و قوشچی (دانشمند اهل تسنن) در شرح تجرید العقائد، والامامة والسياسة ابن قتیبه، ج ۱، ص ۳۱ و دیگران نقل کرده‌اند. (به پاورقی ص ۱۱۱۳ همین کتاب مراجعه شود)

۲. نهج البلاغه دشتی، ذیل نامه ۶۲.

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ^۱ و به پیروی از ائمه معصومین (علیهم السلام) خصوصاً امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این است که مسلمانان باید نسبت به همدیگر مهربان باشند و همبستگی و وحدت خود را در برابر کفار حفظ کنند، باید در نظر داشته باشند که اقتدار و اتحاد اسلامی بر هر امری مقدم و حفظ آن بر همه و در هر زمان و مکان لازم است.

منشأ اتحاد یا اختلاف دانشمندان

از سویی روشن است که توده مردم، تابع دانشمندان و مبلغان و گویندگانند، اگر آنان همراه و همسو باشند و حقایق را به دور از تعصب و لجاج و عناد و صرفاً به منظور ارشاد و هدایت بازگو کرده و بنویسند، هرگز شکاف و بدبینی در جوامع پدید نمی آید، اما چنانچه آنان - خدای ناخواسته - از روی تعصب و عناد سخن گویند و افرادی کینه توز و اشتباک طلب باشند، امیدی به اتفاق و اتحاد و اصلاح و رشد جامعه مسلمانان نخواهد بود و امت اسلامی هرگز طعم گوارای وحدت را نخواهند چشید، هرگز هم دلی و صفا و وفایه مشام آنها نخواهد رسید، هرگز به کمال مطلوب و خداپسند دست نخواهند یافت.

از این رو قرآن کریم علما و دانشمندان را قبل از دیگران و بیش از سایرین، سفارش به اتحاد می کند و خطر اختلاف را به آنها هشدار می دهد و از عذاب روزی می ترساند که در آن روز برخی چهره ها دگرگون می گردد.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾^۲

۱. سوره فتح / آیه ۲۹.

۲. سوره آل عمران / ۱۰۵ و ۱۰۶.



و شما [مسلمانان] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است * در روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه شود، اما آنان که چهره‌هایشان سیاه شده [به آنها گویند] آیا پس از ایمان آوردن کافر شدید؟ پس به کیفر آنکه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بچشید.

البته قرآن مجید ارائه حق و اقامه برهان و جدال احسن را می‌ستاید و به آن امر می‌کند:

﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾^۱

بگو: اگر استگوید دلیل خود را بیاورید.

﴿وَجَادِلْهُمْ بَآئِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۲

و با آنان به بهترین شیوه بحث [و مجادله] بپرداز.

ولی اختلاف بعد از علم و روشن شدن واقع را که غرضی جز نیل به هدف پلید نفسانی در آن نیست، زیانبار دانسته و دانشمندان را مسؤول آن اعلام نموده و منشأ تفرقه بعد از علم و آگاهی به حق را ظلم و بغی را تجاوز دانسته است.

﴿وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾^۳

در آن اختلاف نکردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شده، [این اختلاف] بعد از دلایل روشنی بود که برای آنان آمد، و به خاطر برتری جویی در میان خودشان بود.

۱. سوره بقره / ۱۱۱.

۲. سوره نحل / ۱۲۵.

۳. سوره بقره / ۱۹.

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيّاً بَيْنَهُمْ﴾^۱ این پراکندگی [به گروه گروه نشدند] میگرد پس از آنکه آگاهی به سویشان آمد [این پراکندگی] به خاطر دشمنی میان خودشان بود. و بر همه گمان روشن است که ظلم و تجاوز و تعدی، هرگز موجب سعادت نخواهد بود؛ همچنین بر همگان روشن است که سخنان زشت و توهین آمیز سودی نداشته، مشکلی را حل نمی کند، و تنها در پرتو اخلاق و سخن پسندیده است که می توان نتیجه گرفت.

از خوش سخنی کسی ریش نشد با خوش سخنان کسی بداندیش نشد چیزی است کلام خوش که گوینده آن هر چند کرم نمود درویش نشد بر این اساس لازم است دانشمندان و صاحب نظران برای ایجاد وحدت و استواری پایه های اتحاد و اتفاق را است و هماهنگی در بین مسلمانان کوشش نمایند و در عین ارشاد و هدایت و برطرف کردن شبهات و پاسخ سؤالها و راهنمایی و ارشاد آنها، از آنچه موجب تفرقه و عناد با بینی می شود پرهیز کنند. البته این مطلب نباید به معنای اجتناب از گفتن سخن حق و روشن ساختن واقعیت و تبیین حقیقت تلقی شود، زیرا چنانچه حق و حقیقت مخفی بماند و بیان نشود موجب از بین رفتن حق بلکه ظلم به حق و سبب گمراهی مردم می شود، لذا بر علما و دانشمندان است که بدور از جو سازی و تهمت و افترا حق را بیان کنند و مردم را از گمراهی نجات دهند.

با توجه به مطالب مزبور، در این کتاب سعی شده از الفاظ و عباراتی که موجب تفرقه است دوری شود و در حد ارائه واقع و بیان حق و اقامه دلیل و

برهان و نهایتاً از باب ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ از کتاب‌های مقبول نزد خودشان مطالب را بازگو و حق را تبیین کرده و پاسخ سؤال‌ها داده شود. در این نوشتار چنانچه خلاف این پیش آمده سهو قلم است که امید می‌رود تذکر داده شود تا اصلاح گردد، در عین حال ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾؛ «و باید عفو کنند و از مجازات درگذرند، آیا دوست نمی‌دارید خدا شما را بیامرزد؟».

و ما توفیقی الا بالله. وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی.

www.ketab.ir